

### ذکر سفر «آکسفرد»، دارالعلم

سه شنبه پانزدهم جمادی الاول سنهٔ یکهزار و دو صد و پانزده بود که این سفر اتفاق افتاد. آن روز در شهر «ونزر»<sup>۱</sup>، که خاص سلاطین انگلند است، مقام شد. هر دو پارک «ونزر» و مساکن و مسجد عبادتخانهٔ شاهي را، که در قلعه و از مسیرهای نامزد<sup>۲</sup> این جزیره است، سیر مستوفی نمودیم. در قلعه ایوانهاست که هر یک خاص سلطانی از اسلاف است. کلاه و سریر و اسلحه و اشیای مستعملهٔ آن پادشاه، که از تحایف عالم است، در آن ایوان به نوعی چیده اند.

[لمؤلفه]

تو گویی منتظر هستند بازش به تخت آید همین دم از فرازش

> از آن جمله در ایوان «کنگ هنری هشتم»<sup>۳</sup> شیه بیست و چهار زن صاحب جمال دیده شد که منظور نظر آن سلطان عشاق بودند، وهم در حین حیات او مصوران جادو قلم سحر کار، در او انی که بر کشور دل او مسلط شده بودند، کشیده همواره در پیش نظر خود می داشت. روز دیگر در باغ «مسترا دیتن»، وزیر اعظم، که پراز میوهٔ آن ملک بود چاشت کرده شد. انجیر این باغ، [که] بسیار شاداب و با لیده می شود، و فور دارد. و درختان میوهٔ هندوچین و امریکا که هنوز به بار نیامده اند، در گلدها بسیار دیده شد، که در زمستان به خانه های شیشه ای گذارند. بعضی به بزرگی درخت انبه که تازه به بار آمده باشد، بود.

پنجشنبه متصل بلدهٔ «ادنگ» در باغ «مستر گلدنک»<sup>۴</sup>، که از اصحاب هند است، چاشت و خواب کردیم. باغ «مستر گلدنک» نیز پراز میوه بود، و دختران او به نواختن ساز و نغمات دلکش خسوش داشتند. روز جمعه نیمه روز به آکسفرد رسیده در مهمانسرای موسوم به «استار»<sup>۵</sup> فرود آمدیم.

### ذکر مدرسه های «آکسفرد»

«آکسفرد» شهر نامدار دارالعلم است. عمارت آن تمام از سنگ سرخ، اکثر به وضع کوچه های عمدهٔ هنود، کوچه ها وسیع با انتظام، دو طرف قطار درختان موزون، و دکانها با صفا و رونق. مردم از هر طرف برای تحصیل علوم شریفه در آن آیند.